

یوان ده شن نزد ما آمد و نقشه ما را در باره استقرار قدرت سیاسی در قسمت مرکزی سلسله جبال لوه سیائو تأیید کرد . دفعه دوم دو سیو جین و یان کای مین آمدند و پیشنهاد کردند که ارتش سرخ بدون لحظه‌ای تأمل بسوی جنوب خونان رهسپار شود و فقط نیروئی با . . . قبضه تفنگ باتفاق دستجات گارد سرخ جهت دفاع از منطقه مرزی باقی گذارد ؛ آنها اظهار داشتند که این اصل "مطلقاً درست" است . دفعه سوم ، هنوز ده روز نگذشته بود که یوان ده شن مجدداً با نامه‌ای نزد ما آمد و این بار علاوه بر اینکه ما را حسابی سرزنش کرد ، اصرار ورزید که ارتش سرخ بسوی مشرق خونان حرکت کند ؛ و باز تأکید شد که این اصل هم "مطلقاً درست" است و ما باید "بدون لحظه‌ای تأمل" طبق آن عمل کنیم . اینگونه دستورالعمل‌های سخت ، ما را در وضع واقعاً دشواری قرار دادند زیرا عدم اطاعت نقض دستور است ؛ و اطاعت ، بطور حتم با استقبال شکست شتافتن است . بعد از دریافت دومین نامه ، کمیته ارتش و کمیته ناحیه ویژه و کمیته شهرستان یون سین جلسه مشترکی فرا خواندند و چون حرکت بسوی جنوب خونان را خطرناک تشخیص دادند ، تصمیم گرفتند که دستور کمیته ایالتی را اجرا نکنند . ولی چند روز بعد دو سیو جین و یان کای مین با اصرار روی نظر کمیته ایالتی و با سوء استفاده از درد وطن سربازان هنگ ۲۹ ، ارتش سرخ را به حمله به چن جو کشاندند و بدینسان منطقه مرزی و ارتش سرخ را دچار شکست ساختند . ارتش سرخ تقریباً نصف قوای خود را از دست داد ، در حالیکه در منطقه مرزی تعداد بیشماری از خانه‌ها طعمه حریق شدند و انبوهی از مردم بقتل رسیدند ؛ دشمن شهرستانها را یکی پس از دیگری تصرف نمود و هنوز که هنوز است ، ما نتوانسته‌ایم بعضی از آنها را پس بگیریم . اما درباره پیشروی بسوی مشرق خونان ، تا وقتیکه بین قدرتهای مالکان

ارضی بزرگ خونان ، حوبه و جیان سی تفرقه و نفاق نیفتاده ، بهیچوجه نباید نیروهای عمده ارتش سرخ را بانجا اعزام کرد . اگر ما در ماه ژوئیه بطرف جنوب خونان پیشروی نکرده بودیم ، نه تنها میتوانستیم از شکست ماه اوت در منطقه مرزی احتراز کنیم ، بلکه قادر بودیم با استفاده از جنگ بین سپاه ششم گومیندان و واحدهای وان جیون در جان شو واقع در جیان سی ، نیروهای یون سین دشمن را خرد کنیم و جی ان و ان فو را تصرف نمائیم ؛ و این امر به پیشقراولان ما اجازه میداد پس از رسیدن به پین سیان با سپاه پنجم ارتش سرخ که در قسمت شمال سلسله جبال لوه سیائو عمل میکرد ، تماس بگیرند . حتی در اینصورت نیز ما میبایست نین گان را بعنوان مقر ستاد کل فرماندهی حفظ کنیم و فقط واحدهای پارتیزانی را بمشرق خونان اعزام داریم . از آنجا که در میان مالکان ارضی بزرگ جنگی در نگرفته بود و دشمن هنوز در پین سیان ، چالین و یو سیان ، واقع در مرز خونان ، نیروهای مهمی در اختیار داشت ، انتقال نیروهای عمده ما بسوی شمال مطمئناً مورد سوء استفاده دشمن قرار میگرفت . کمیته مرکزی از ما خواست که درباره حرکت به مشرق یا جنوب خونان فکر کنیم ، ولی این هر دو مسیر متضمن خطرات بزرگی بودند . ما پیشنهاد حرکت بسوی مشرق خونان را عملی نکردیم ، ولی حرکت بسوی جنوب خونان هم در عمل ثابت شد که درست نبود . بجاست که ما این تجربه تلخ را همیشه در خاطر خود حفظ کنیم .

ما هنوز در دوره‌ای نیستیم که در درون رژیم طبقه مالکان ارضی بزرگ تفرقه افتاده باشد ؛ بعلاوه نیروهای دشمن که منطقه مرزی را محاصره کرده‌اند و علیه ما به عملیات "سرکوب" دست میزنند ، از ده هنگ تجاوز میکنند . ولی اگر ما بتوانیم در آینده هم راهی برای تأمین پول نقد پیدا کنیم (غله

و لباس دیگر مسئله چندان مهمی نیستند) ، خواهیم توانست با تکیه به پایه‌هایی که در منطقه مرزی پی‌ریزی کرده‌ایم ، از عهده مقابله با این نیروها و حتی نیروهای بزرگتر از آن نیز برآئیم . و اما راجع بمنطقه مرزی ، در صورتیکه ارتش سرخ عزیمت کند ، این منطقه بلافاصله با خرابیهائی نظیر شکست ماه اوت روبرو خواهد شد . با آنکه دستجات گارد سرخ کاملاً نابود نخواهند شد ، سازمانهای حزبی و پایه و اساس توده‌ای ما در معرض انهدام وحشیانه قرار خواهند گرفت و باستثناء بعضی قسمتهای کوهستانی حکومت مستقل ، ما در دشتهای ، نظیر ماههای اوت و سپتامبر ، همه مجبور خواهیم شد مخفی شویم . ولی اگر ارتش سرخ از اینجا عزیمت نکند ، ما خواهیم توانست با تکیه به پایه‌هایی که پی‌ریزی نموده‌ایم ، سرزمین خود را بتدریج در نواحی اطراف آن گسترش دهیم ، و دورنمای امیدبخشی در برابر ما باز خواهد شد . اگر بخواهیم ارتش سرخ را توسعه دهیم ، یگانه راه اینستکه در اطراف کوهستان جینگان — جایی که يك پایه و اساس توده‌ای وجود دارد — یعنی در چهار شهرستان نینگان ، یون سین ، لین سیان و سوی چوان با استفاده از این وضع که اختلاف منافع بین نیروهای حونان و جیان سی دشمن موجود است و این نیروها مجبورند خود را در مقابل حملاتی که از هر طرف بر آنها وارد میشود ، حفظ کنند و قادر به تمرکز قوا نیستند ، بیک مبارزه طولانی با دشمن دست بزنیم . ما میتوانیم نیروهای ارتش سرخ را با توسل بیک تاکتیک درست یعنی عدم درگیری بجز در مواردیکه امکان پیروزی بر دشمن و گرفتن اسیر و غنیمت موجود باشد ، بتدریج افزایش دهیم . با توجه بکار تدارکی که از آوریل تا ژوئیه بین توده‌های مردم منطقه مرزی انجام گرفته بود ، اگر قسمت عمده ارتش سرخ به جنوب حونان عزیمت نمیکرد ، بی‌شک میتوانست قوای خود را در

ماه اوت افزایش دهد. ارتش سرخ با وجود این اشتباه مجدداً به منطقه مرزی که در آنجا وضع زمین مساعد است و برخورد مردم دوستانه است، مراجعت نموده است؛ دورنمای کار در حال حاضر درخشان است. ارتش سرخ فقط زمانی میتواند تسلیحات خود را افزایش دهد و جنگجویان خوبی تربیت نماید که در مناطقی نظیر منطقه مرزی مصمم به مبارزه باشد و در نبردهای طولانی بتواند طاقت بیاورد. اکنون يك سال است که پرچم سرخ برفراز منطقه مرزی در اهتزاز است و کینه طبقه مالکان ارضی را در حونان، حوبه، جیان سی و حتی در تمام کشور برانگیخته است، لیکن در عین حال مایه امید توده‌های کارگران، دهقانان و سربازان استانهای مجاور شده است. از آنجا که دیکتاتورهای نظامی عملیات "سرکوب راهزنان" را علیه منطقه مرزی یکی از وظایف اساسی خود تلقی میکنند و بیاناتی نظیر: "ما در ظرف يك سال عملیات يك میلیون یوان برای سرکوب راهزنان خرج کرده‌ایم" (لودی پین)، ارتش سرخ "۲۰۰۰ نفر با... ه تفنگ" (وان جیون) دارد، توجه سربازان و افسران جزء دشمن را که راهی برای خروج از این وضع نمی‌بینند، کم‌کم بسوی ما معطوف کرده و از اینرو سربازان و افسران مذکور از اردوی دشمن روزبروز بیشتر فرار میکنند و بصفوف ما می‌پیوندند و منبع دیگری برای افزایش نفرات ارتش سرخ تشکیل میدهند. بعلاوه این واقعیت که پرچم سرخ برفراز منطقه مرزی هیچگاه فرود نیامده است، نه تنها نیروی حزب کمونیست را بلکه در عین حال ورشکستگی طبقات حاکم را نیز نشان میدهد، و این برای وضع سیاسی سراسر کشور دارای اهمیت بزرگی است. از اینرو ما همواره برآنیم که استقرار و گسترش قدرت سیاسی ما در قسمت مرکزی سلسله جبال لوه سیائو کاملاً ضرور و صحیح است.

یادداشتها

- ۱ - این جنگ در اکتبر سال ۱۹۲۷ رخ داد .
- ۲ - این جنگ در نوامبر و دسامبر سال ۱۹۲۷ صورت گرفت .
- ۳ - سیستم کنفرانس نمایندگان سربازان و کمیته سربازی در ارتش سرخ بعداً لغو شد . سال ۱۹۴۷ در ارتش آزادیبخش توده‌ای سیستم کنفرانس نظامیان و کمیته سربازی که بوسیله کادرها رهبری میشدند ، برقرار شد .
- ۴ - واحد طول در چین است و یکک "لی" مساوی است با نیم کیلومتر . - مترجم
- ۵ - منظور واحدهائی است که سابقاً تحت فرماندهی رفقا یه تین (مراجعه شود به یادداشت ۱۵ متن حاضر) وحه لون بودند و در یکم اوت سال ۱۹۲۷ در نان چان قیام کردند . این واحدها پس از آنکه در جریان پیشروی بسوی چائو جو و شان تو شکست خوردند ، قسمتی از آنها تحت رهبری رفقا جو ده ، لین بیائو و چن ای ، از راه جیان سی از گوان دون بسمت جنوب خونان عقب نشستند تا بجنگ پارتیزانی دست بزنند . در آوریل ۱۹۲۸ این واحدها بکوهستان جین گان وارد شدند و بواحدهای رفیق مائو تسه دون ملحق گردیدند .
- ۶ - در دوران انقلاب سال ۱۹۲۷ عده کثیری از کادرهای این هنگ را اعضای حزب کمونیست تشکیل میدادند . این هنگ در اواخر ژوئیه همین سال بعد از آنکه وان جین وی و امثالهم بانقلاب خیانت کردند ، او چان را ترك کرد تا بواحدهائی که در نان چان قیام کردند ، ملحق شود و وقتیکه در بین راه از عزیمت واحدهای قیام کننده نان چان به جنوب اطلاع یافت ، راه سیو شوی را در مغرب جیان سی در پیش گرفت و در آنجا به دستجات مسلح دهقانی پین جیان و لیویان ملحق شد .
- ۷ - طی بهار سال ۱۹۲۷ در منطقه پین جیان و لیویان واقع در خونان دستجات مسلح دهقانی نیرومندی تشکیل یافت . در ۲۱ مه ۱۹۲۷ سیوکه سیان در چان شا دست بیک کودتای ضد انقلابی زد و توده‌های انقلابی را قتل عام کرد . در ۳۱ مه این دستجات مسلح دهقانی بسوی چان شا حرکت کردند تا به ضد انقلاب ضربه متقابل وارد سازند ، لیکن چن دو سیو اپورتونیست از پیشرفت آنها جلوگیری کرد و از اینرو آنها مراجعت نمودند . در داخل این دستجات دهقانی بزودی يك هنگ مستقل بوجود آمد که بجنگ پارتیزانی پرداخت . بعد از قیام نان چان در یکم اوت ۱۹۲۷ ، این دستجات دهقانی در منطقه سیو شوی ، تون گو ، پین جیان و لیو

یان به هنگ گارد دولت ملی سابق او چنان پیوستند و همراه نیروهای مسلح معدنچیان پین سیان قیام دروپائیزه را برپا نمودند. در اکتبر این دستجات قیام کننده تحت رهبری رفیق مائو تسه دون بکوهستان جین گان وارد شدند.

۸ - در اوایل سال ۱۹۲۸ موقعیکه رفیق جو ده عملیات پارتیزانی انقلابی جنوب خونان را رهبری میکرد، در شهرستانهای ای جان، چن جو، لی یان، یون سین و زی سین که نهضت دهقانی در آنجا ریشه محکمی دوانیده بود، دستجات دهقانی تشکیل شدند. این دستجات سپس تحت رهبری رفیق جو ده بکوهستان جین گان وارد شدند و به نیروهای رفیق مائو تسه دون ملحق گردیدند.

۹ - معدنچیان شوی کوشان از شهرستان چان نین واقع در استان خونان که دارای معادن مهم سرب است، در سال ۱۹۲۲ تحت رهبری حزب کمونیست به تشکیل سندیکای خود پرداختند؛ آنها سالها بود که علیه ضد انقلاب مبارزه میکردند. بعد از قیام دروپائیزه در سال ۱۹۲۷ بسیاری از کارگران آنجا وارد ارتش سرخ شدند.

۱۰ - معادن زغال ان یوان از شهرستان پین سیان واقع در استان جیان سی که در آنموقع ۱۲۰۰۰ معدنچی داشت، جزو شرکت فولاد سازی حان یه پین بود. از سال ۱۹۲۱ در آنجا سازمانهای حزبی و سندیکا از طرف کادرهائی که کمیته ایالتی حزب کمونیست چین در خونان بآنجا اعزام داشت، ایجاد گردیدند.

۱۱ - از سال ۱۹۲۹ نام نماینده حزب در ارتش سرخ به کمیسر سیاسی تغییر کرد و از سال ۱۹۳۱ کمیسر سیاسی گروهان به مربی سیاسی تغییر نام یافت.

۱۲ - مجازات نقدی مستبدین محلی فقط يك اقدام موقتی بود که تنها قسمتی از مخارج ارتش را تأمین میکرد. وقتیکه ارتش رشد کرد و سرزمین وسعت یافت، آنگاه هم لازم و هم امکان پذیر شد که برای تأمین مخارج ارتش از مردم مالیات گرفته شود.

۱۳ - این وضع مدت زیادی در ارتش سرخ دوام داشت و در آنزمان ضرور بنظر میرسید؛ معذک بعدها افسران و سربازان حقوقی دریافت میکردند که برحسب درجه شان کمی فرق میکرد.

۱۴ - رفیق مائو تسه دون در اینجا بخصوص ضرورت تا حدودی دموکراسی را در ارتش انقلابی تأکید میکند، زیرا که در اوایل ایجاد ارتش سرخ بدون چنین تأکیدی، بالا بردن شور انقلابی دهقانانی که تازه وارد ارتش شده بودند و یا سربازانی که از ارتش سفید اسیر شده و بصفوف ما پیوسته بودند، امکان نداشت؛ بعلاوه ریشه کن کردن رسوم دیکتاتوری نظامی خاص ارتش ارتجاعی که در صفوف کادرهای ما نفوذ

کرده بود ، نیز غیرممکن بود . البته دموکراسی در ارتش نباید از حدودیکه انضباط نظامی معین میکند ، تجاوز کند بلکه باید به تقویت انضباط کمک کند نه به تضعیف آن ؛ از اینجهت ضروریست ضمن تشویق دموکراسی لازم در ارتش ، علیه هرگونه دموکراسی افراطی که انضباط را نقض میکند ، مبارزه نمود ؛ تظاهرات این دموکراسی افراطی در دوران اولیه ارتش سرخ مدتی بصورت يك مسئله جدی در آمده بود . درباره مبارزه رفیق مائو تسه دون علیه دموکراسی افراطی در ارتش رجوع شود به « در باره اصلاح نظرات نادرست در حزب » .

۱۵ - واحدهای رفیق یه تین در لشگرکشی بشمال سال ۱۹۲۶ که يك هنگ مستقل را تشکیل میدادند و استخوانبندی آن از کمونیستها ترکیب یافته بود ، واحدهای جنگجوی مشهور محسوب میشدند . واحدهای مذکور بعد از تصرف اوچان بوسیله ارتش انقلابی به لشگر ۲۴ و بعد از قیام نان چان به سپاه ۱۱ توسعه یافت .

۱۶ - تجربه ارتش سرخ نشان میدهد که نسبت يك به دو (یعنی در برابر هر عضو حزب در ارتش دو فرد غیرحزبی) مناسب است ؛ همین نسبت بود که بعدها در ارتش سرخ و ارتش آزادیبخش توده‌ای بطور کلی بر قرار گردید .

۱۷ - در ۲۱ مه سال ۱۹۲۷ فرماندهان ارتشهای ضد انقلابی گومیندان در حونان بنام سیوکه سیان ، حه جیان و دیگران بتحریک چانکایشک ووان جین وی در چان شا ، به مرکز اتحادیه کارگری حونان ، انجمن دهقانی حونان و همه سازمانهای انقلابی هجوم برده و کمونیستها و دهقانان و کارگران انقلابی را توقیف و مقتول ساختند . این حادثه که نشانه اتحاد آشکار ضد انقلابیون گومیندان در اوهان برهبری وان جین وی با ضد انقلابیون نانکن برهبری چانکایشک بود .

۱۸ - در اینجا منظور یکی از مقررات قانون ارضی است که در سال ۱۹۲۸ در منطقه مرزی حونان - جیان سی وضع گردید . بعداً رفیق مائو تسه دون خاطر نشان ساخت که مصادره تمام اراضی بجای مصادره زمینهای مالکان ارضی اشتباهی بود که از فقدان تجربه در مبارزه ارضی ناشی میگردد . در قانون ارضی شهرستان سین گوه مصوب آوریل سال ۱۹۲۹ ماده "مصادره تمام ارضی" به ماده "ضبط زمینهای عمومی و مصادره ارضی طبقه مالکان ارضی" تعویض گردید .

۱۹ - رفیق مائو تسه دون با توجه باهمیت جلب طبقه بینابینی در روستا ، سیاست اشتباه‌آمیزی را که ضربات سخت بر آنها وارد میساخت ، فوراً اصلاح نمود . نظریات رفیق مائو تسه دون درباره سیاست مربوط به طبقه بینابینی علاوه

بر مقاله حاضر ، در پیشنهاداتی که وی در نوامبر سال ۱۹۲۸ به ششمین کنگره سازمان حزبی ارتش سرخ ارائه نمود (که عبارتست از "ممانعت از آتش‌سوزی و اعدامهای بی‌بندوبار" و "دفاع از منافع بازرگانان متوسط و کوچک" وغیره) ، و در اعلان ژانویه ۱۹۲۹ سپاه چهارم ارتش سرخ (که عبارت است از "بازرگانان شهری که بتدریج ثروتی اندوخته‌اند ، تا وقتی که از حکومت اطاعت میکنند ، ما مزاحم آنها نمیشویم ") و نیز در قانون ارضی شهرستان سین گوه مصوب آوریل سال ۱۹۲۹ (مراجعه شود به یادداشت ۱۸ متن حاضر) ، طرح شده‌اند .

۲۰ - با تکامل جنگ انقلابی ، با توسعه قلمرو مناطق پایگاهی انقلابی و اجرای سیاست حمایت از صنایع و بازرگانی از طرف حکومت انقلابی ، این وضع ممکن بود تغییر کند و بعداً در عمل نیز تغییر کرد . نکته اساسی در اینجا این بود که صنایع و بازرگانی ملی مورد حمایت قاطع قرار گیرد و علیه سیاست ماوراء چپ مبارزه شود .

۲۱ - شیوه تقسیم زمین بر اساس نیروی کار ، شیوه درستی نیست . در یک دوران طولانی اصل تقسیم مساوی زمین در مناطق سرخ عملاً بموقع اجرا گذاشته شد .

۲۲ - اینها نیروهای مسلح ضد انقلابی محلی هستند .

در باره اصلاح نظرات نادرست در حزب

(دسامبر ۱۹۲۹)

در سازمان حزبی سپاه چهارم ارتش سرخ نظرات غیر پرولتاریائی گوناگونی وجود دارند که در راه اجرای مشی صحیح حزب موانع بزرگی ایجاد میکنند . سپاه چهارم بدون اصلاح کامل این نظرات قطعاً قادر نخواهد بود وظایفی را که مبارزه کبیر انقلابی چین بر عهده‌اش گذارده‌است ، انجام دهد . بدیهی است که سرچشمه پیدایش اینگونه نظرات نادرست در سازمان حزبی سپاه چهارم از آنجاست که ترکیب اساسی این سازمان حزبی بطور عمده از دهقانان و سایر عناصر دارای منشاء خرده بورژوائی تشکیل میگردد ؛ ولی یکی از علل مهم وجود و رشد چنین نظرات نادرست اینستکه ارگانهای رهبری حزب علیه اینگونه نظرات نادرست مشترکاً و مصممانه مبارزه نکرده‌اند و

اثر حاضر قطعنامه‌ایست که از طرف رفیق مائو تسه دون برای نهمین کنگره سازمان حزبی سپاه چهارم ارتش سرخ تهیه و تدوین گردیده است . ساختمان ارتش توده‌ای چین راه سخت و دشواری را پیموده‌است . ارتش سرخ چین (که در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی به ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید تغییر نام کرد و اکنون ارتش آزادیبخش توده‌ای چین نامیده میشود) یکم اوت ۱۹۲۷ در نتیجه قیام نان چان بوجود آمد و تا

اعضای حزب را باندازه کافی با روح مشی صحیح حزب پرورش نداده‌اند . این کنگره طبق روح نامه سپتامبر کمیته مرکزی تظاهر ، سرچشمه و طرق اصلاح انواع نظرات غیر پرولتاریائی را در سازمان حزبی سپاه چهارم نشان میدهد و رفقا را به ریشه کن کردن کامل این نظرات دعوت میکند .

درباره روحیه نظامیگری

روحیه نظامیگری بین عده‌ای از رفقا در ارتش سرخ بطور وسیع شیوع یافته‌است . اشکال تظاهر این روحیه بدینگونه است :

۱ - این رفقا کار نظامی را مغایر کار سیاسی میدانند و نمیخواهند قبول کنند که کار نظامی فقط وسیله‌ای برای اجرای وظایف سیاسی است . بعضی‌ها حتی ادعا میکنند که "هر گاه کارهای نظامی خوب انجام بگیرند ، کارهای سیاسی نیز بالطبع خوب جریان خواهند یافت ؛ هر گاه کارهای نظامی درست انجام نگیرند ، کارهای سیاسی هم نمیتوانند خوب انجام بگیرند" ؛ این بمعنای آنستکه قدمی فراتر نهاده شود و بامور نظامی نسبت بکارهای سیاسی نقش رهبری کننده داده شود .

۲ - این رفقا گمان میکنند که گویا وظایف ارتش سرخ با وظایف ارتش سفید یکسان است و آنهم تنها جنگیدن میباشد . آنها درک نمیکند که

دسامبر ۱۹۲۹ بیش از دو سال از عمرش میگذشت . در این مدت سازمانهای حزبی ارتش سرخ در جریان مبارزه با نظرات نادرست گوناگون بسیار کارآزموده شده و تجارب فراوانی اندوخته بودند . این قطعنامه‌ای که از طرف رفیق مائو تسه دون تدوین گردید ، تمام این تجارب را جمع‌بندی نمود . این قطعنامه برای ساختمان ارتش سرخ بنیادی کاملاً مارکسیستی - لنینیستی ایجاد کرد و آنرا از هرگونه تأثیر و نفوذ ارتشهای طراز کهن منزله ساخت . قطعنامه مزبور نه فقط در سپاه چهارم بلکه بتدریج

ارتش سرخ چین سازمان مسلحی است که وظایف سیاسی انقلاب را انجام میدهد. ارتش سرخ بویژه در حال حاضر بهیچوجه نباید کار خود را فقط بچنگیدن محدود سازد. ارتش سرخ علاوه بر عملیات جنگی جهت نابودی نیروهای نظامی دشمن، وظایف مهم دیگری نیز برعهده دارد که عبارتند از: تبلیغ کردن بین توده‌ها، سازمان دادن توده‌ها، مسلح کردن توده‌ها، کمک نمودن به توده‌ها برای ایجاد قدرت سیاسی انقلابی و تشکیل سازمانهای حزب کمونیست. ارتش سرخ صرفاً بخاطر چنگیدن نمیچنگد، بلکه بمنظور تبلیغ کردن بین توده‌ها، سازمان دادن توده‌ها، مسلح کردن توده‌ها و کمک نمودن به توده‌ها برای ایجاد قدرت سیاسی انقلابی میچنگد. بدون این هدفها، جنگ مفهوم خود را از دست میدهد و علت موجودیت ارتش سرخ نیز از بین میرود.

۳ - بدینجهت این رفقا از نظر سازمانی ارگانهای سیاسی ارتش سرخ را تابع ارگانهای نظامی میکنند و شعار "بگذار ستاد فرماندهی بامور خارج از ارتش رسیدگی کند" را مطرح مینمایند. رشد آتی اینگونه افکار خطر جدا شدن از توده‌ها، استقرار کنترل ارتش بر ارگانهای دولتی و سرپیچی از پذیرش رهبری پرولتاریا را دربر دارد، و این بمثابة در غلطیدن بهمان راه میلیتاریستی ارتش گومیندان خواهد بود.

۴ - این رفقا در عین حال اهمیت گروههای مبلغ در کار تبلیغاتی

در کلیه واحدهای ارتش سرخ نیز بموقع اجرا گذارده شد و بدین ترتیب تمام ارتش سرخ چین بیک ارتش توده‌ای واقعی کاملاً تبدیل گردید. اکنون که بیش از بیست سال از آنزمان میگذرد، ارتش توده‌ای چین در کارهای حزبی و سیاسی خود پیشرفتهای عظیمی نموده و چیزهای نو بسیاری خلق کرده‌است بطوریکه اکنون در این زمینه منظره کاملاً دیگری بچشم میخورد، ولی مشی اصلی این ارتش همان مشی است که در آن قطعنامه تصریح شده است.

نادیده میگیرند و در مورد تشکل توده‌ها بامر ایجاد کمیته‌های سربازی در ارتش و سازماندهی توده‌های کارگران و دهقانان محلی کم بها میدهند. و در نتیجه کار تبلیغاتی و تشکیلاتی کنار گذاشته میشود.

۵ - آنها بهنگام پیروزی غره میشوند و بهنگام شکست افسرده و دلسرد.
۶ - تعصب قسمتی. آنها فقط به سپاه چهارم میاندايشند ولی درك نمیکند که یکی از مهمترین وظایف ارتش سرخ مسلح کردن توده‌های محلی است. این همان روحیه گروه‌پرستی است منتها بمقیاس بزرگتر.

۷ - عده قلیلی از رفقا که خود را در چهار چوب تنگ سپاه چهارم محصور کرده‌اند، چنین میپندارند که گویا غیر از سپاه چهارم هیچ نیروی انقلابی دیگری وجود ندارد. از همینجاست که تمایل فوق‌العاده شدید بحفظ نیروی خود و اجتناب از عملیات جنگی ناشی میشود. این از بقایای اپورتونیسیم است.
۸ - برخی از رفقا که شرایط ذهنی و عینی را مورد توجه قرار نمیدهند، دچار بیماری انقلابیگری میشوند؛ آنها بکار پرزحمت و دقیق بین توده‌ها رغبتی نشان نمیدهند بلکه تنها آرزوی قهرمانیهای بزرگ را در سر میپرورانند و در بحر تصورات و خیالات خود غوطه‌ور میگردند. این از بقایای پوچیسم است (۱).
علل پیدایش روحیه نظامیگری :

۱ - سطح نازل آگاهی سیاسی. از اینجاست که عدم درك نقش رهبری سیاسی در ارتش و عدم تشخیص تفاوت اساسی بین ارتش سرخ و ارتش سفید ناشی میشود.

۲ - روحیه خاص ارتشهای مزدور. از آنجا که پس از هر پیکار تعداد کثیری اسرای جنگی به ارتش سرخ وارد میشوند و این عناصر نظرات و روحیه شدید ارتش مزدور را با خود میآورند، لذا در صفوف پائینتر اساس پیدایش روحیه نظامیگری گذارده میشود.

۳ - از ایندو علت ثالثی ناشی میشود که عبارتست از اعتماد بیش از حد به نیروی نظامی و عدم اعتماد به نیروی توده‌های مردم .

۴ - یکی دیگر از علل بروز روحیه نظامیگری در بعضی از رفاقا عدم توجه جدی حزب بامور نظامی و عدم بررسی این امور است .

طرق اصلاح :

۱ - باید سطح آگاهی سیاسی را در حزب از طریق آموزش ارتقاء داد ، پایه‌های تئوریک روحیه نظامیگری را فرو ریخت و تفاوت اساسی میان ارتش سرخ و ارتش سفید را بطور دقیق تشخیص داد . در عین حال باید بقایای اپورتونیسیم و پوچیسم را ریشه کن کرد و تعصب قسمتی را در سپاه چهارم از میان برداشت .

۲ - باید کار تربیت سیاسی افسران و سربازان و بخصوص اسرای جنگی سابق را تقویت نمود . در عین حال ارگانهای دولتی محلی باید تا حد امکان کارگران و دهقانانی را که در مبارزه کار آزموده شده‌اند ، انتخاب کنند و بصفوف ارتش سرخ اعزام دارند تا بدین ترتیب روحیه نظامیگری از لحاظ سازمانی تضعیف و سرانجام بکلی محو گردد .

۳ - باید سازمانهای محلی حزب را به انتقاد از سازمانهای حزبی ارتش سرخ و همچنین ارگانهای دولتی توده‌ای را به انتقاد از ارتش سرخ برانگیخت تا بتوان از این طریق بر سازمانهای حزبی و افسران و سربازان ارتش سرخ تأثیر گذاشت .

۴ - حزب باید امور نظامی را بطور جدی مورد توجه و بررسی قرار دهد . هر کاری که توده‌ها میکنند ، باید قبلاً در حزب مورد بررسی قرار گیرد و درباره آن تصمیم گرفته شود .

۵ - باید آئین‌نامه ارتش سرخ را تدوین کرد و در آن بطور

دقیق وظایف ارتش سرخ ، مناسبات بین دستگاههای نظامی و سیاسی ، مناسبات بین ارتش سرخ و توده‌های مردم ، حدود اختیارات کمیته‌های سربازی و همچنین مناسبات آنها را با ارگانهای نظامی و سیاسی مشخص نمود .

درباره دموکراسی افراطی

از زمانیکه سپاه چهارم ارتش سرخ دستورات کمیته مرکزی را پذیرفت ، مظاهر دموکراسی افراطی بمراتب کمتر بچشم خورد . فی‌المثل قرارهای حزب نسبتاً بهتر اجرا شدند و دیگر هیچکس درخواستهای بیجائی مانند اینکه در ارتش سرخ باید "سانترالیسم دموکراتیک از پائین به بالا" اجرا شود و یا اینکه "همه مسایل باید ابتدا در پائین مورد بحث قرار گیرند و سپس در بالا تصمیم گرفته شود" مطرح نکرد . ولی در واقع این کمتر شدن فقط جنبه موقتی و سطحی دارد و بهیچوجه بمعنای ریشه کن شدن آن نیست . عبارت دیگر دموکراسی افراطی در مغز بسیاری از رفقا عمیقاً ریشه دوانده است . دلیل این مدعا بی‌رغبتی در اجرای تصمیمات حزب است که باشکال مختلف تظاهر میکند .

طرق اصلاح :

۱ - ریشه دموکراسی افراطی را باید در حوزه تئوری برکنند . قبل از هر چیز باید باین خطر اشاره نمود که دموکراسی افراطی موجب اختلال در سازمانهای حزبی و حتی تلاشی کامل آنها میگردد ، نیروی رزمنده حزب را تضعیف و یا حتی آنها کاملاً نابود میکند ، حزب را از اجرای وظایف مبارزاتی خود باز میدارد و در نتیجه انقلاب را بشکست میکشاند .

علاوه بر این ، باید خاطر نشان ساخت که دموکراسی افراطی از بیزاری اندیویدوآلیستی خرده بورژوائی نسبت به انضباط سرچشمه میگیرد . وقتیکه چنین پدیده‌ای در حزب ظاهر شود ، از نظر سیاسی و تشکیلاتی بصورت افکار دموکراتیک افراطی در میآید . این افکار با وظایف مبارزاتی پرولتاریا بهیچوجه سازگار نیستند .

۲ - در قلمرو تشکیلات ، باید اصول زندگی دموکراتیک را تحت هدایت مرکزیت دقیقاً اجرا کرد . طرق اجرای این اصول چنین اند :

الف - ارگانهای رهبری حزب باید برای رهبری مشی صحیحی اتخاذ کنند و وقتی مسئله‌ای پدید می‌آید ، راه حل آنرا بیابند تا بتوانند خود را بمثابه مرکز رهبری کننده عرضه بدارند .

ب - ارگانهای بالاتر باید با چگونگی وضع ارگانهای پائین‌تر و زندگی توده‌ها آشنائی بیابند تا بتوانند برای رهبری صحیح خود پایه‌ای عینی فراهم سازند .

ج - ارگانهای حزبی در مدارج مختلف نباید در حل مسایل بدون تعمق تصمیمی اتخاذ کنند ؛ ولی وقتیکه تصمیمی گرفته شد ، باید بطور قطع بموقع اجرا گذاشته شود .

د - کلیه تصمیمات مهم ارگانهای بالاتر حزب باید فوراً بارگانهای پائین‌تر و کلیه اعضای حزب اطلاع داده شود . طریقه عمل اینستکه جلسات فعالین و یا جلسات عمومی حوزه‌های حزبی و یا حتی جلسات عمومی سازمان حزبی ستونها (۲) (اگر شرایط اجازه دهد) فرا خوانده شوند و کسی اعزام گردد تا در این جلسات صحبت کند .

ه - ارگانهای پائینتر حزب و کلیه اعضای حزب باید دستورات ارگانهای بالاتر را دقیقاً مورد بررسی قرار دهند تا مضمون این دستورات را کاملاً درک کنند و بتوانند شیوه‌های اجرای آنها را تعیین نمایند .

درباره نظرات غیر تشکیلاتی

نظرات غیر تشکیلاتی در سازمان حزبی سپاه چهارم باشکال زیرین تظاهر میکند :

اولا - عدم تبعیت اقلیت از اکثریت . مثلاً ، هنگامیکه پیشنهاد اقلیت رد میشود ، آنها تصمیم سازمان حزبی را صادقانه اجرا نمیکنند .
طرق اصلاح :

۱ - در جلسات باید سعی شود که کلیه شرکت کنندگان حتی الامکان نظرات خود را بیان دارند و همچنین حق و باطل در کلیه مسایل مورد اختلاف روشن گردد و بهیچوجه نباید به سازش و سنبل کردن مسایل مورد اختلاف تن داده شود . اگر مسئله‌ای در یک نشست حل نشد ، باید بار دیگر آنرا به بحث گذاشت (مشروط باینکه مانع کار نشود) تا نتیجه قطعی و روشنی بدست آید .

۲ - یکی از مبانی انضباط حزبی تبعیت اقلیت از اکثریت است . اقلیت چنانچه نظرش رد شود ، موظف است که از تصمیم اکثریت پشتیبانی کند . اقلیت در صورت لزوم میتواند مسئله را برای بحث مجدداً در جلسه مطرح سازد ، ولی بهیچوجه مجاز نیست عملی که مغایر تصمیم اکثریت باشد ، انجام دهد .
ثانیاً - انتقاد غیر تشکیلاتی :

۱ - انتقاد درون حزبی سلاحی است که بامر استحکام تشکیلات حزب و تقویت نیروی رزمنده آن کمک میکند . ولی انتقاد در سازمان حزبی ارتش سرخ همیشه اینطور نبوده بلکه بعضی مواقع بحملات شخصی تبدیل شده است . در نتیجه ، این امر نه تنها به افراد ، بلکه به سازمانهای حزبی نیز صدمه میزند . این یکی از مظاهر اندیویدوآلیسم خرده بورژوازی است . طریق اصلاح

این پدیده ناسالم اینستکه به اعضای حزب بفهمانیم که منظور از انتقاد ارتقاء نیروی رزمنده حزب جهت نیل به پیروزی در مبارزه طبقاتی است و از انتقاد نباید بمثابه سلاحی برای حملات شخصی سوء استفاده کرد .

۲ - بسیاری از اعضای حزب در خارج از حزب بانتقاد میپردازند ، نه در داخل حزب . علت آنستکه اعضای ساده حزب هنوز اهمیت سازمان حزبی (جلسات حزبی وغیره) را درك نکرده اند و تصور میکنند که انتقاد درون سازمانی با انتقاد برون سازمانی فرقی نمیکند . راه اصلاح آنستکه اعضای حزب را چنان تربیت کنیم تا با اهمیت سازمان حزبی پی برند و دریابند که هر انتقادی نسبت به کمیته حزبی و یا به رفقا باید در جلسات حزبی انجام گیرد .

درباره تساوی گری مطلق

زمانی تساوی گری مطلق در ارتش سرخ بطور جدی شیوع پیدا کرده بود . در اینجا بچند نمونه اشاره میکنیم : هنگام پرداخت مواجب سربازان زخمی ، بعضی ها مخالفت میکردند که بین مجروحین خفیف و مجروحین سخت فرقی گذاشته شود و میخواستند که مواجب همگی یکسان باشد . هنگامیکه اسبی در اختیار افسری گذاشته میشد ، بعضی ها در نظر نمیگرفتند که این اسب برای کار او ضرور است بلکه آنرا یکی از اشکال عدم تساوی میشمردند . هنگام توزیع وسایل زندگی نیز تساوی مطلق مطالبه میشد و با این روش که در موارد خاص به عدهای قدری بیشتر داده شود ، مخالفت میگردید . هنگام حمل برنج خواسته میشد که همه - بدون توجه به سن و وضع جسمانی - بطور مساوی حمل کنند . بهنگام منزل کردن مطالبه میشد که بهمه بطور یکسان جا داده شود ، و وقتی ستاد فرماندهی بنای بزرگتری را بر میداشت ، ناسزاگوئی

آغاز میشد. در مورد بیگاری نیز تساوی طلب میشد، و کسیکه با وظایف بیشتری محول میگردید، از انجام آن سرباز میزد؛ حتی بعضی اوقات کار بجائی میرسید که وقتی برای دو مجروح فقط يك برانکار در دست بود، هیچیک از آنها حمل نمیشد زیرا هر یک خواستار حق تقدم بر دیگری بود. این نمونه‌ها نشان میدهند که تساوی گری مطلق هنوز بین افسران و سربازان ارتش سرخ بطور جدی بچشم میخورد.

تساوی گری مطلق مانند دموکراسی افراطی در امور سیاسی محصول اقتصاد پیشه‌وری و خرده دهقانی است، منتها فرق بین ایندو پدیده در آنستکه یکی در زندگی سیاسی بروز میکند و دیگری در زندگی مادی.

طریق اصلاح: باید خاطر نشان ساخت که تساوی گری مطلق در دورانی که سرمایه‌داری هنوز نابود نشده است، بجز يك تصور واهی دهقانی و خرده بورژوائی چیز دیگری نیست و حتی در جامعه سوسیالیستی نیز تساوی مطلق نمیتواند وجود داشته باشد، زیرا در آن موقع نعم مادی طبق اصل "از هر کس بقدر استعدادش و به هر کس بقدر کارش" و طبق مقتضیات کار توزیع میشوند. نعم مادی باید بین ابوابجمع ارتش سرخ بطور کلی یکسان تقسیم گردد مثلاً پرداخت حقوق مساوی به افسران و سربازان، زیرا شرایط کنونی مبارزه آنها ایجاب میکند. ولی باید با تساوی گری مطلق غیرموجه مبارزه کرد زیرا این پاسخگوی نیازمندیهای مبارزه نیست، بلکه بعکس مانع آنست.

درباره سوئز کتیویسم

برخی از اعضای حزب بشدت گرفتار سوئز کتیویسم اند. این امر در تحلیل اوضاع سیاسی و هدایت امور مانع بزرگی ایجاد میکند، زیرا که تحلیل

سوپرکتیویستی اوضاع سیاسی و هدایت سوپرکتیویستی امور ناگزیر یا به اپورتونیسیم و یا به پوچیسم منجر میگردد. انتقاد سوپرکتیویستی در حزب، پرگوئیهای بی اساس و یا سوءظن نسبت بیکدیگر غالباً به منازعات غیراصولی و از هم پاشیدگی سازمان حزبی میانجامد.

نکته دیگری که باید در رابطه با انتقاد درون حزبی خاطر نشان گردد، اینستکه بعضی از رفقا در انتقادات خود مسایل اصلی را نادیده میگیرند و توجه خود را فقط بمسایل فرعی محدود میسازند. آنها درک نمیکنند که وظیفه عمده انتقاد نشان دادن اشتباهات سیاسی و تشکیلاتی است. و اما نواقص شخصی در صورتیکه به اشتباهات سیاسی و سازمانی مربوط نباشند، برای آنکه خاطر رفقا پریشان نگردد، نباید زیاد مورد ایراد قرار گیرند. و انگهی چنانچه دامنه چنین انتقاداتی بسط یابد، ممکن است که توجه اعضای حزب فقط روی نواقص کوچک متمرکز شود، همه به افراد محتاط و جیون بدل گردند و وظایف سیاسی حزب بدست فراموشی سپرده شود؛ و این واقعاً خطر بزرگی است.

طریق اصلاح بطور عمده عبارت از اینستکه اعضای حزب بنحوی تربیت شوند که افکار آنها و زندگی حزبی از روح سیاسی و علمی آکنده شود. برای نیل باین هدف ما باید: ۱- باعضای حزب بیاموزیم که در تحلیل اوضاع سیاسی و در ارزیابی نیروهای طبقاتی بعوض اینکه به تحلیل و ارزیابی سوپرکتیویستی متوسل شوند، شیوه مارکسیستی - لنینیستی را بکار بندند. ۲- باید توجه اعضای حزب را بتحقیق و بررسی شرایط اجتماعی - اقتصادی جلب نمائیم تا بدین وسیله بتوانند تاكتيك مبارزه و شیوه کار خود را معین سازند و همچنین باید به رفقا در فهم این مطلب کمک کنیم که بدون تحقیق و بررسی واقعیت موجود در گودال تصورات واهی و پوچیسم سرنگون خواهند شد.

۳- در انتقاد درون حزبی باید از سوژکتیویسم و قضاوت‌های اختیاری و انتقادات مبتذل پرهیز کرد؛ اظهارات باید مستند و انتقاد باید جنبه سیاسی داشته باشد.

درباره اندیویدوآلیسم

گرایش‌های اندیویدوآلیستی در سازمان‌های حزبی ارتش سرخ باشکال زیرین تظاهر مییابد:

۱ - انتقام جوئی . بعضی از رفقا که در داخل حزب از طرف يك رفیق سرباز مورد انتقاد قرار میگیرند ، در خارج از حزب دنبال موقعیتی میگردند تا از او انتقام بگیرند ؛ ناسزاگوئی و کتک کاری یکی از طرق انتقام جوئی است . این اشخاص در درون حزب هم قصد انتقام جوئی دارند ؛ "تو چون در این جلسه از من انتقاد کردی ، من در جلسه آینده یقه‌ات را میچسبم و تلافی در میآورم" . اینگونه انتقام‌جوئی تنها زائیده بینش اندیویدوآلیستی است که منافع طبقاتی و حزب را اصلاً در نظر نمیگیرد . هدف آن طبقات متخاصم نیست بلکه بعضی از رفقای صفوف خود میباشد . اینگونه انتقام‌جوئی همچون خوره‌ایست که سازمان را میخورد و نیروی رزمنده آن را تضعیف میکند .

۲ - روحیه گروه پرستی . بعضی از رفقا فقط به منافع گروه کوچک خود توجه میکنند و مصالح عمومی را نادیده میگیرند . گرچه این عمل ظاهراً بخاطر منافع شخص معینی انجام نمیگیرد ، ولی در واقع تنگ‌نظرانه‌ترین اندیویدوآلیسم در آن نهفته است که دارای تأثیر مسموم‌کننده و گریز از مرکز میباشد . روحیه گروه پرستی مدتی طولانی در ارتش سرخ متداول بود و

گرچه اکنون در نتیجه انتقادات وارده وضع قدری بهبود یافته است ، ولی بقایای روحیه گروه پرستی هنوز وجود دارد و بر طرف کردن آن مستلزم صرف مساعی باز هم بیشتری است .

۳ - مزدور منشی . بعضی ها در نمی یابند که حزب و ارتش سرخ ابزار اجرای وظایف انقلابند و هر يك از آنان خود جزئی از این مجموع میباشد . آنها درك نمیکنند که خود موجدین انقلابند و در نتیجه فقط در قبال رؤسا احساس مسئولیت مینمایند و گمان میکنند که در برابر انقلاب آنها را مسئولیتی نیست . يك چنین روحیه پاسیو مزدورمنشانه نسبت به انقلاب نیز از مظاهر اندیویدوآلیسم است . و درست بهمین علت است که ما هنوز دارای فعالین زیادی نیستیم که بدون قید و شرط خود را در خدمت انقلاب بگذارند . اگر ما روحیه مزدور منشی را بر طرف نسازیم ، صفوف فعالین ما توسعه نخواهد یافت و بار وظایف دشوار انقلاب کمافی السابق بر گرده عده قلیلی سنگینی خواهد کرد . و این امر مسلماً در مبارزه ما تأثیر بسیار نامطلوبی خواهد گذاشت .

۴ - راحت طلبی . در ارتش سرخ نیز افرادی که اندیویدوآلیسم در آنها بصورت راحت طلبی تظاهر میکند ، کم نیستند . آنها همیشه میل دارند که واحدهایشان بشهرهای بزرگ اعزام گردند . کشش آنها بسوی شهرها بخاطر کار نیست ، بلکه برای تن آسائی است . کار در مناطق سرخ که در آنجا شرایط زندگی دشوار است ، بهیچوجه مورد پسندشان نیست .

۵ - پاسیویته و طفره رفتن از کار . بعضی از رفقا هر گاه که کاری مطابق میلشان انجام نگیرد ، دچار پاسیویته میشوند و از کار کناره میگیرند . علت این امر بطور عمده نقصان کار تربیتی است ، ولی گاهی نیز بعلت برخورد نادرست

رهبری در حل مسایل ، در تقسیم کار و یا در اتخاذ تدابیر انضباطی است .

۶ - تمایل به خروج از ارتش . هر روز بر تعداد کسانی که تقاضای انتقال از ارتش سرخ به کار محلی را دارند ، افزوده میشود . این امر تنها ناشی از علل شخصی نیست بلکه علل دیگری نیز دارد : الف - شرایط مادی زندگی در ارتش سرخ بسیار دشوار است ؛ ب - افراد از مبارزه طولانی خسته شده‌اند ؛ ج - رهبری نسبت به حل مسایل ، تقسیم کار و یا اتخاذ تدابیر انضباطی درست برخورد نمیکند .

طریق اصلاح : قبل از هر چیز باید کار تربیتی را تقویت کرد تا از نظر ایدئولوژیک بتوان بر اندیویدوآلیسم فایق آمد . سپس باید نسبت به حل مسایل ، تقسیم کار و اتخاذ تدابیر انضباطی بطور صحیح برخورد نمود . ضمناً باید برای بهبود شرایط مادی زندگی در ارتش سرخ تدابیری اتخاذ شود و از هر امکانی جهت استراحت و تقویت قوای نظامیان استفاده کرد تا بدین ترتیب شرایط مادی آنها بهبود یابد . ما باید در ضمن کار آموزشی توضیح دهیم که اندیویدوآلیسم از نظر ریشه اجتماعی انعکسی است از ایدئولوژی خرده بورژوازی و بورژوازی در حزب .

درباره روحیه یاغیگری

بعلت وجود عده کثیری عناصر ولگرد در صفوف ارتش سرخ و وجود توده عظیمی از عناصر آن در سراسر کشور و بخصوص در استانهای جنوبی ، روحیات سیاسی ای که مختص یاغیان است ، در ارتش سرخ پیدا شده است . تظاهر این روحیات باشکال زیرین است : ۱ - بعضی ها نمیخواهند از طریق کار پرزحمت و دشوار در ایجاد پایگاهها و استقرار حکومت توده‌ای نفوذ سیاسی ما را

زیاد کنند بلکه میخواهند آنها فقط از طریق عملیات متحرک پارتیزانی انجام دهند. ۲ - بعضیها در توسعه ارتش سرخ بعوض اینکه نیروهای منظم ارتش سرخ را از طریق توسعه دستجات محلی گارد سرخ و واحدهای محلی ارتش سرخ رشد دهند، مشی "خریدن اسب و اجیر کردن سوارکار" و "سربازگیری از فراریان و پذیرفتن آشوبگران" را تعقیب میکنند. ۳ - بعضیها صبر و حوصله ندارند که مشترکاً با تودهها در مبارزه سخت شرکت کنند، بلکه فقط میخواهند هر چه زودتر بشهرهای بزرگ برسند تا بتوانند به میخوارگی و تن پروری پردازند. این مظاهر روحیه یاغیگری در راه انجام وظایف صحیح ارتش سرخ موانع بزرگی ایجاد میکنند و از اینرو بر طرف ساختن چنین روحیهای از زمره هدفهای عمده مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمانهای حزبی ارتش سرخ بشمار میرود. باید دانست که در شرایط کنونی راه و رسمهای یاغیگری از نوع "حوان چائو" (۳) و "لی چوان" (۴) بهیچوجه جایز نیست.

طرق اصلاح :

- ۱ - ریشه کن کردن روحیه یاغیگری از طریق تقویت کار تربیتی و انتقاد از نظرات نادرست.
- ۲ - تقویت کار تربیتی بین صفوف اصلی ارتش سرخ و اسیرانیکه تازه بعنوان سرباز در ارتش سرخ قبول شدهاند بخاطر غلبه بر روحیاتی که مختص ولگردان و اوباشان است.
- ۳ - جلب فعالیتی از میان کارگران و دهقانان که در مبارزه کار آزموده شدهاند، بصفوف ارتش سرخ و بدین ترتیب تغییر دادن ترکیب طبقاتی ارتش سرخ.
- ۴ - ایجاد واحدهای جدید ارتش سرخ از تودههای کارگران و دهقانان مبارز.

درباره بقایای پوچیسیم

مبارزه با پوچیسیم در سازمانهای حزبی ارتش سرخ انجام گرفته است ، ولی این هنوز کافی نیست . از اینرو در ارتش سرخ هنوز بقایای پوچیسیم وجود دارد که باشکال زیرین بروز میکند : ۱ - اقدامات کورکورانه بدون در نظر گرفتن شرایط ذهنی و عینی ؛ ۲ - اجرای ناکامل و غیرقطعی سیاست حزب ما درباره شهرها ؛ ۳ - ضعف انضباط نظامی ، بخصوص پس از شکستهای نظامی ؛ ۴ - آتش زدن خانه ها توسط بعضی از واحدها ؛ ۵ - تیرباران سربازان فراری خودی و تنبیهات بدنی که خود نشانه ای از پوچیسیم است . منشاء اجتماعی پوچیسیم عبارتست از پیوند ایدئولوژی لوسپن پرولتاریا با ایدئولوژی خرده بورژوائی .

طرق اصلاح :

۱ - از بین بردن پوچیسیم از نظر ایدئولوژیک .

۲ - اصلاح عملیات پوچیستی بوسیله مقررات و رهنمودهای سیاسی .

یادداشتها

۱ - پس از شکست انقلاب در سال ۱۹۲۷ ، در حزب کمونیست چین مدتی گرایش "چپ" پوچیستی بروز میکردند . طرفداران پوچیسیم که انقلاب چین را "انقلاب پی در پی" و وضع انقلابی چین را در حال "اعتلای بلاانقطاع" میدانستند ، از اقدام به عقب نشینی منظم سرباز زده و تلاش میکردند تا با شیوه های کماندستی و با اتکاء به عده قلیلی از اعضای حزب وعده ناچیزی از مردم در سراسر کشور اشتباهاً دست به قیامهای محلی زنند که بهیچوجه امید پیروزی نداشت . در اواخر سال ۱۹۲۷ این عملیات پوچیستی بطور وسیع شیوع یافته بودند ولی در اوایل ۱۹۲۸

بتدریج از شدت آنها کاسته شد . معیناً بعضی از اعضای حزب کمافی‌السابق دارای چنین روحیه‌ای بودند . پوچیسیم درست مترادف ماجراجوئی است .

۲ - ستون ارتش سرخ در آن زمان تقریباً مساوی بود با یک هنگ پیاده نظام . - مترجم

۳ - حوان چائو اهل شهرستان یوان جیو از ناحیه تسائو جو (امروز شهرستان حه زه از استان پین یوان) رهبر قیام دهقانی اواخر دوران سلسله تان بود . حوان چائو در سال ۸۷۵ ، سال دوم چیان فوسی زون سلسله تان بمنظور همسوئی با قیام وان سیان جی مردم را بدور خود جمع کرد و پس از آنکه وان سیان جی کشته شد ، حوان چائو بقایای دستجات او را بنیروهای خود ملحق نمود و خود را "سردار کبیری که باآسمان حمله میبرد" خواند . حوان چائو با نیروهای شورشی خود دو بار بآن سوی شان دون لشگرکشی کرد و برای نخستین بار از استان شان دون به حه نان رفت و از آنجا به استانهای ان هوی و حوبه لشگر کشید و سپس به شان دون باز گشت . حوان چائو برای دومین بار از استان شان دون خارج شد و از طریق حه نان به جیان سی رفت ، سپس از خاور استان جه جیان وارد استانهای فوجیان و گوان دون شد و از آنجا از راه گوان سی و حونان به استان حوبه رفت و مجدداً بخاور یعنی باستانهای ان هوی و جه جیان باز گشت ، پس از آن از رودخانه حوای گذشت ، وارد استان حه نان شد ، شهر لوه یان را بتصرف در آورد و با زد و خورد گردنه تون گوان را متصرف گشت و بالاخره شهر چان ان را اشغال کرد . پس از تصرف چان ان ، حوان چائو تاسیس امپراطوری چی را اعلام نمود و خود را امپراطور نامید . حوان چائو سپس در نتیجه تفرقه و نفاق داخلی (یکی از سرداران او بنام جووین به امپراطور سلسله تان تسلیم شد) و حمله نیروی مسلح لی که یون ، رئیس عشائر شاتو ، چان ان را از دست داد و به استان حه نان عقب نشست و از آنجا به شان دون مراجعت کرد و سرانجام شکست خورد و انتحار کرد . جنگ حوان چائو که ده سال بطول انجامید ، یکی از معروفترین جنگهای دهقانی تاریخ چین بشمار میرود که تاریخ نویسان وابسته به طبقات حاکمه قدیم آنرا چنین توصیف میکنند : "مردم که از مالیات سنگین بستوه آمده بودند ، سعی میکردند بارتش وی ملحق گردند . " ولی از آنجا که اوفقط به جنگهای متحرک میپرداخت و پایگاههای نسبتاً محکمی برای خود ایجاد نکرده بود ، قوای مسلحش را "دستجات یاغیان" مینامیدند .

۴ - لی چوان (لی زی چن) متولد شهرستان میجی از استان شنسی ، رهبر قیام

دهقانی است که در اواخر سلطنت سلسله مین برپا شد . در سال ۱۶۲۸ ، سال اول چون سی زون سلسله مین در شمال استان شنسی ، امواج قیامهای دهقانی بحرکت در آمدند . لی زی چن بدسته قیام کنندگان تحت رهبری گائو یین سیان ملحق شد . گائو یین سیان از استان شنسی ، حه نان وسپس به ان هوی لشگرکشی کرد واز آنجا مجدداً به شنسی باز گشت . گائو یین سیان در سال ۱۶۳۶ وفات کرد ، ولی زی چن بنام چوان شاه پیشوای قیام گردید . شعار عمده لی زی چن در میان توده‌های مردم چنین بود : ” طرفدار چوان شاه باش تا از مالیات غله معاف گردی ” . لی زی چن انضباط سختی در ارتش خود بر قرار کرده بود . او اعلام نمود : ” آدم کشی بمعنای کشتن پدرم و اعمال منافی عفت نسبت بزنان بمعنای هتک ناموس مادرم است ” . از اینرو لی زی چن طرفداران بسیار زیادی پیدا کرد و دستجات وی قوای عمده جنبش دهقانی آن دوران گردید . ولی او پایگاههای نسبتاً استواری برای خود ایجاد نمیکرد بلکه پیوسته از نقطه‌ای به نقطه دیگر در حرکت بود . پس از اینکه لی زی چن چوان شاه شد ، باستان سی چوان لشگر کشید واز آنجا به جنوب استان شنسی عزیمت کرد و سپس از استان حوبه گذشته ، بطرف حه نان حرکت کرد و بزودی شهر سیان یان واقع در استان حوبه را تصرف کرد و سپس از طریق حه نان مجدداً به شنسی باز گشته ، شهر سی ان را تصرف شد و در سال ۱۶۴۴ از استان شان سی عبور کرد و پکن را تصرف نمود . ولی بزودی بوسیله حملات متحد اوسان گوی سردار نظامی سلسله مین و ارتش تسین که با وی ساخت و پاخت کرده بود ، مغلوب گردید .

از يك جرقة حريق بر ميخيزد

(ه ژانويه ۱۹۳۰)

عده‌ای از رفقای حزب ما هنوز بدرستی درك نميکنند که اوضاع کنونی را چگونه باید ارزیابی کرد و مسئله عملی را که همراه این ارزیابی می‌آید، حل نمود. گرچه آنها معتقدند که اوج‌گیری انقلاب ناگزیر فرا خواهد رسید، ولی اعتقاد ندارند که این امر بزودی رخ خواهد داد. و بدینجهت است که از نقشه تسخیر استان جیان سی طرفداری نميکنند، بلکه فقط با عملیات متحرك پارتیزانی در سه ناحیه واقع در مرزهای فوجیان، گوان دون و جیان سی موافقت دارند؛ آنها در عین حال با اینکه در نواحی پارتیزانی باید قدرت سیاسی سرخ مستقر گردد، اعتقاد عمیق ندارند و از اینرو این ایده را نیز عمیقاً درك نميکنند که باید از طریق تحکیم و توسعه قدرت سیاسی سرخ اوج‌گیری انقلاب را در سراسر کشور تسریع نمود. آنها از قرار معلوم بر این عقیده‌اند که چون اوج‌گیری انقلاب هنوز خیلی دور است، کوشش برای انجام این کار بسیار مشکل، یعنی استقرار قدرت سیاسی سرخ بیهوده است. در عوض، آنها بر این امیدند که نفوذ سیاسی ما را از راه آسانتری، یعنی از طریق عملیات متحرك پارتیزانی زیاد

اثر حاضر متن نامه‌ای است که رفیق مائو تسه دون بمنظور انتقاد از نظریات بدبینانه‌ای که در آنموقع در حزب پیدا شده بود، نوشته است.

کنند و همینکه توده‌ها در سراسر کشور کاملاً و یا تا اندازه‌ای به انقلاب جلب شدند، در تمام چین به قیام مسلحانه دست زنند و سپس آنها را با شرکت ارتش سرخ بیک انقلاب بزرگ سراسری مبدل نمایند. این تئوری آنها که ابتدا باید توده‌ها را در سراسر کشور و در کلیه نقاط به انقلاب جلب کرد و سپس قدرت سیاسی را مستقر ساخت، با شرایط واقعی انقلاب چین وفق نمیدهد. این تئوری بطور عمده از درک ناقص این حقیقت سرچشمه میگیرد که چین کشوری است نیمه مستعمره که چند کشور امپریالیستی بر سر آن با هم رقابت میکنند. اگر این حقیقت بدرستی فهمیده شود، آنگاه اولاً روشن میشود که چرا در میان کشورهای جهان، چین تنها کشوری است که در آن یک چنین پدیده غیرعادی مانند جنگهای درهم و برهم مداوم بین طبقات حاکم بچشم میخورد، چرا این جنگها روزبروز شدیدتر و پرمخنده‌تر میگردند، و چرا تا کنون یک قدرت واحد سیاسی بوجود نیامده است؛ ثانیاً روشن میشود که مسئله دهقانان چقدر جدی است و در نتیجه چرا اکنون قیامها در دهات چنان توسعه یافته‌اند که سراسر کشور را دربر گرفته‌اند؛ ثالثاً روشن میشود که شعار قدرت سیاسی دموکراتیک کارگری - دهقانی درست است؛ رابعاً روشن میشود که پدیده غیرعادی دیگری از پدیده غیرعادی اول - در سراسر جهان تنها در چین جنگهای درهم و برهم مداوم بین طبقات حاکم موجود است - ناشی میگردد، و این عبارتست از وجود و رشد ارتش سرخ و واحدهای پارتیزانی، و در ارتباط با آنها وجود و رشد مناطق کوچک سرخ در حلقه محاصره حکومت سفید (چنین پدیده‌ای غیرعادی در خارج از چین وجود ندارد)؛ خامساً روشن میشود که در چین نیمه مستعمره ایجاد و رشد ارتش سرخ، واحدهای پارتیزانی و مناطق سرخ عالیترین شکل مبارزه دهقانی تحت رهبری پرولتاریا و نتیجه اجتناب‌ناپذیر رشد مبارزه دهقانی در یک کشور

نیمه مستعمره است و بیشك مهمترین عامل در تسريع اوج گیری انقلاب در سراسر کشور محسوب میگردد ؛ سادساً بالاخره روشن میشود که سیاست عملیات صرفاً متحرك پارتیزانی نمیتواند وظیفه تسريع اوج گیری انقلاب در تمام کشور را انجام دهد ، بلکه آن سیاستی که جو ده و مائوتسه دون و همچنین فان جی مین (۱) تعقیب کرده اند ، بدون شك صحیح است - یعنی سیاستی که هدفش عبارتست از ایجاد مناطق پایگاهی ، استقرار قدرت سیاسی بطور سیستماتیک ، اجرای عمیق انقلاب ارضی ، توسعه نیروهای مسلح خلق در يك پروسه کامل با تشکیل گارد سرخ دهستان و سپس گارد سرخ بخش و گارد سرخ شهرستان و نیروهای ارتش سرخ محلی تا سازماندهی نیروهای منظم ارتش سرخ ، توسعه پیگیر و موج آسای قدرت سیاسی و غیره . فقط از این طریق است که میتوان در میان توده های مردم انقلابی سراسر کشور اعتقاد بوجود آورد - همان کاری که اتحاد شوروی در جهان کرد . فقط از این طریق است که میتوان طبقات حاکم ارتجاعی را با دشواریهای عظیم مواجه ساخت ، زمین زیر پایشانرا بلرزه درآورد و تلاشی درونی آنها را تسريع نمود . فقط از این طریق است که واقعاً میتوان ارتش سرخی بوجود آورد که به ابزار عمده انقلاب بزرگ آتی تبدیل گردد . خلاصه ، فقط از این طریق است که میتوان اوج گیری انقلاب را تسريع کرد .

رقائتی که به تب انقلابیگری دچارند ، بیجهت به نیروهای ذهنی انقلاب (۲) پربها و به نیروهای ضد انقلاب کم بها میدهند . اینگونه ارزیابی بطور عمده از ذهنی گری ناشی میشود و آخر الامر ، بیشك به پوچیسیم منتهی میگردد . از سوی دیگر کم بها دادن به نیروهای ذهنی انقلاب و پربها دادن به نیروهای ضد انقلاب نیز ارزیابی نادرستی بدست میدهد و مسلماً نتایج سوء نوع دیگری بیارمیاورد . بدینجهت در ارزیابی اوضاع سیاسی چین باید نکات

مهم ترین را درک کرد :

۱ - اگر چه در حال حاضر نیروهای ذهنی انقلاب چین ضعیفند ، تمام تشکیلات (ارگانهای قدرت سیاسی ، نیروهای مسلح ، احزاب سیاسی و غیره) طبقات حاکم ارتجاعی که بر ساختمان عقب مانده و سست اجتماعی - اقتصادی چین تکیه دارد ، نیز ضعیف میباشد . و از اینجا روشن میشود که در کشورهای اروپای غربی با اینکه ممکن است اکنون نیروهای ذهنی انقلاب از نیروهای ذهنی انقلاب در چین قدری قویتر باشند ، ولی انقلاب در این کشورها نمیتواند بلافاصله برپا گردد ، زیرا در آنجا نیروهای طبقات حاکم ارتجاعی از نیروهای طبقات حاکم ارتجاعی در چین بمراتب قویترند . با اینکه در حال حاضر نیروهای ذهنی انقلاب چین ضعیفند ، لیکن بدون شك اوج گیری انقلاب در چین زودتر از اروپای غربی فرا خواهد رسید ، زیرا نیروهای ضد انقلاب نیز در اینجا نسبتاً ضعیفند .

۲ - نیروهای ذهنی انقلاب از شکست انقلاب ۱۹۲۷ باینطرف واقعاً خیلی ضعیف شده اند . اگر قضاوت فقط بر اساس بعضی پدیده ها مبتنی گردد ، تعداد ناچیز نیروهای باقیمانده طبعاً میتواند در رقبا (آنهائی که با مسئله اینطور برخورد میکنند) تولید بدینی نماید . اما اگر ما به ماهیت مسئله بنگریم ، مطلب بکلی عوض میشود . در اینجا این ضرب المثل قدیمی چین "از يك جرقه حریق بر میخیزد" کاملاً مصداق مییابد . بعبارت دیگر ، نیروهای ما اگر چه اکنون ناچیزند ، ولی بسرعت رشد و تکامل خواهند یافت . رشد این نیروها در شرایط فعلی چین نه تنها امکان پذیر است ، بلکه حتی جبر است . این حقیقت در جنبش ۳ مه سال ۱۹۲۵ و انقلاب بزرگی که بدنبال آن بوقوع پیوست ، کاملاً باثبات رسیده است . در برخورد با اشیاء و پدیده ها ما باید به ماهیت آنها نظر بیفکنیم و ظاهر خارجی آنها را فقط بمشابه رهنمائی تلقی کنیم